

یادداشت

«خطای کنترل»

در سیاست گذاری

رضا خسروی

داستانی است درباره مردی که هر روز کمی قبل از ساعت ۹ صبح در میدان شهر می ایستاد و کلاه فرمز خود را با شدت تکان می داد و بعد از پنج دقیقه ناپدید می شد. یک روز مامور پلیس سراغ او رفت و پرسید: «چه کار می کنی؟» مرد به پلیس پاسخ داد: «در حال دور کردن زرافه ها از میدان شهر هستم.» پلیس گفت: «اما اینجا که زرافه ای نیست.» مرد جواب داد: «خب، پس من کارم را خوب انجام داده ام.»

رولف دوبلی دانش آموخته فلسفه اقتصاد از دانشگاه سنت گالن سوئیس به این رفتار می گوید: «توهم کنترل». توهمی که موجب می شود باور کنیم بر چیزی اراده داریم که عملاً خارج از کنترل ماست و مستقل از ما رفتار می کند. در فضای سیاست گذاری، بسیاری از خطاهای سیاستی را می توان ذیل این نوع «خطای تفکر» دانست.

سیاست گذاران معمولاً با نیت خیرخواهانه و با هدف بهینه سازی رفاه اجتماعی تلاش می کنند کنترل وضعیت را در دست گیرند. اما تجربه نشان داده اکثر این تلاش ها نه تنها به هدف مطلوب اصابت نکرده، بلکه هزینه های اجتماعی را نیز به جامعه تحمیل کرده است. برای مثال دولت ها با هدف حمایت از اشتغال، اقدام به اعطای تسهیلات ارزان قیمت کرده اند؛ اما بیکاری هنوز یکی از چالش های اقتصاد ایران است. مداخلات و قیمت گذاری در اقتصاد ایران قدمت زیادی دارد؛ اما اقتصاد ایران هنوز از تورم بالا رنج می برد. دولت با اتکا به ارز نفتی و منابع نفتی، پول زیادی به اقتصاد تزریق کرده است؛ اما عملکرد رشد اقتصاد ایران در بلندمدت و در مقایسه با دیگر کشورها قابل دفاع نیست. البته در برخی مقاطع مسوولان پاسخ می دهند اگر این سیاست ها اجرا نمی شد! ان وضعیت بدتر بود؛ روشی که در آن سیاست گذار خیال می کند می تواند همه امور را کنترل کند؛ اما در عمل اصلاً این گونه نیست. مرور اقتصاد ایران و فضای سیاست گذاری می تواند آموزشگاهی از مطالعه خطاهای رنگ به رنگ در حوزه تفکر باشد. نمونه بارز آن در سال جاری عرضه دلار باقیمت ثابت ۴۲۰۰ تومان بود. این سیاست در ابتدا برای همه نیازهای ارزی بود؛ اما در عمل عمر آن به سه ماه نرسید. در بیان دلیل شکست سیاست عرضه فراگیر دلار باقیمت ثابت ۴۲۰۰ تومان، دولتمردان محترم اعتقاد دارند اگر همه همکاری می کردند این سیاست موفق بود. این بیان به خوبی توضیح می دهد سیاست گذار ابتدا تصور می کرده تمامی امور را در اختیار دارد؛ اما پس از اجرای تصمیم به این نتیجه رسیده که حوزه تحت کنترل او بسیار کمتر از میزان تصور اولیه است. در مرحله بعد وقتی سیاست دلار ۴۲۰۰ تومانی در شکل گسترده به نتیجه نرسید دولت تصمیم گرفت عرضه دلار با این نرخ را به کالاهای اساسی و ضروری محدود کند. هدف طبیعتاً کنترل قیمت این کالاهای برای دهک های کم درآمد و میان درآمد جامعه بود و دولت اصرار دارد این سیاست را برای سال آینده نیز تمدید کند.

اصرار بر تمدید این سیاست از دو حالت خارج نیست: در حالت اول دولت هنوز باور دارد که این سیاست در کاهش هزینه خانوارهای کم درآمد اثر داشته است و به همین دلیل اصرار دارد در دوره مضیقہ ارزی، ۱۴ میلیارد دلار از منابع کشور را برای اجرای آن هزینه کند. اگر این حالت درست باشد پیشنهاد می شود دولت گزارشی از اثر ضد تورمی این سیاست برای افکار عمومی منتشر کند؛ زیرا گزارش های مستقل موجود که با استناد به داده های رسمی منتشر می شود، شاهی مبنی بر اثر مثبت دلار ۴۲۰۰ تومانی در شاخص قیمت نشان نمی دهد.

حالت دوم به شکاف میان تصور و واقعیت باز می گردد. در حالی که دولتمردان تصور می کنند با عرضه دلار ۴۲۰۰ تومانی می توان بار تورمی دهک های کم درآمد را کم کرد؛ اما در عمل چنین اتفاقی رخ نداده است. در این حالت باز هم گرفتار خطای تفکر شده ایم. سیاست گذار تصور می کند با استفاده از ذخایر ارزی می تواند بازار را کنترل و از حقوق مصرف کنندگان دفاع کند؛ اما این مصداق «توهم کنترل» است. سیاست تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی اگر در عمل می توانست به کاهش بار تورمی دهک ها کمک کند، می توانست قابل دوام باشد؛ اما آیا تخصیص ۱۴ میلیارد دلار از منابع ارزی در اوج تحریم های خصمانه آمریکا سیاست درستی است؟

کاهش قیمت جهانی نفت به رغم توافق اوپک

زنگ خطر برای بازارهای نفت به صدا در آمد



امین قلعه‌ای

قیمت نفت از رکورد بالایی که در اوایل اکتبر به ثبت رساند، به دلیل نگرانی هانسبت به کاهش تقاضا و اشیاع عرضه نفت، بیش از ۳۰ درصد سقوط کرد. برخی تحلیل گران، روسیه، عربستان، عراق و امارات را متهم ردیف بروز این وضعیت در بازار نفت ارزیابی می کنند. در حالی که تنها دو هفته از تصمیم جدید اوپک پلاس مبنی بر کاهش یک میلیون و دویست هزار بشکهای تولید نفت گذشته، دیروز الکساندر نوآک اظهار کرد، معتقد است نشست اضطراری میان اوپک و سایر تولید کنندگان ضروری است. وزیر انرژی روسیه اظهار کرد تولید کنندگان نفت که برای کاهش تولید توافق کرده اند، به رصد قیمت ها ادامه می دهند. هم زمان با اظهار نظر مقامات انرژی روسیه، محمد بارکیندو - دبیر کل اوپک - در نامه ای نوشت: اوپک قصد دارد جزئیات سهمیه کاهش تولید اعضای خود و متحدانش شامل روسیه را هدف تقویت قیمت ها منتشر کند. از سوی دیگر برخی تحلیل گران بازارهای نفت معتقدند که کاهش تولید به منظور افزایش قیمت دیگر مکانیسم مناسبی برای اداره بازار نفت نیست. پس از رکود قیمت نفت در سال ۲۰۱۴ انقلاب شیل و تکنولوژی در آمریکا جهان را شگفت زده نمود. ایالات متحده در حال حاضر بزرگترین تولید کننده نفت جهان است، اگر چه هنوز وارد کننده نفت نیست. واردات نفت ایالات متحده در حال حاضر تنها ۲.۴ میلیون بشکه نفت در روز است و ممکن است در سال آینده تنها ۳۰۰ هزار بشکه در روز باشد. به طور خلاصه، خاورمیانه برای امنیت انرژی در اقتصاد ایالات متحده اهمیت چندانی ندارد و در نتیجه اوپک اهمیت کمتری دارد باید این واقعیت تلخ

را پذیرفت که اوپک با وضعیت کنونی تاثیر گذشته خود را از دست داده است و شاید تنها راه، اتحاد با تولید کنندگان بزرگ نفت جهان باشد. جالب این است که اوپک زمانی که خود را گلاتوری بازار نفت را در دست داشت در نشست وین منتظر تصمیم روسیه برای کاهش تولید ماند و بدون روسیه به نتیجه ای که چندان هم دلخواه نبود، رسید.

اوپک نمی تواند

بسیاری از فعالان بازار نفت با نگاهی به طرح فریز نفتی میان کشورهای عضو و غیر عضو اوپک و شرایط کنونی بازار، معتقدند از هم اکنون می توان پیش بینی کرد طرح کاهش تولید اوپک پلاس به میزان یک میلیون و دویست هزار بشکه با شکست روبرو خواهد شد. در مورد تاثیر بخشی طرح اخیر کاهش تولید اوپک و روسیه در تثبیت بازار نفت، تحلیل هایی جدی وجود دارد. با وجود اعلام کاهش ۱.۲ میلیون بشکهای تولید ائتلاف نفتی اوپک پلاس از ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی، قیمت هادر بازار پس از یک افزایش موقتی به سرعت به میزان پیش از نشست وین بازگشته است. قیمت نفت برنت حدود ۶۰ دلار بوده و نفت آمریکا به قیمت ۵۱ دلار معامله می شود. معامله گران نفتی معتقدند این کاهش تولید نمی تواند در سال ۲۰۱۹ میلادی به ایجاد ثبات در بازار منجر شود. همچنین امیدواری اندکی در مورد بهبود سریع و پایدار قیمت ها وجود دارد. کارتل اوپک در شرایطی بدون برد قرار گرفته است. بازار از مدت ها پیش خود را برای کاهش تولید اوپک و روسیه آماده کرده بود. بدین ترتیب توافق اوپک را باید تنها یک نمایش خبری پرسرو صدا دانست. به هر حال، اکثر معامله گران بازار با تحلیل اخبار و ساز و کار کاهش تولید اوپک به دنبال فروش محموله ها و نه خرید جدید هستند. به نظر می رسد اوپک در بهار سال آینده و پیش از ۳۰

با وجود اعلام کاهش ۱.۲

میلیون بشکهای تولید

ائتلاف نفتی اوپک پلاس از

ابتدای سال ۲۰۱۹ میلادی،

قیمت هادر بازار پس از یک

افزایش موقتی به سرعت به

میزان پیش از نشست وین

بازگشته است

تحریم، سلاحي عليه بازار نفت

باعملی شدن تحریم های ایران توسط ایالات متحده و پایان معافیت های اعطاشده در بهار سال آینده، رهبران عربستان در حال آماده شدن برای دستیابی به تولید ۱۲ میلیون بشکه در روز به عنوان ظرفیت کامل برداشت طرح فریز نفتی، روس ها در کاهش تولید خود بسیار کند عمل کردند. آنها پس از گذشت چند ماه از آغاز سال ۲۰۱۷ میلادی به انطباق ۱۰۰ درصدی با تعهدات خود دست یافتند. توافق جدید از یک دوره محدود شش ماهه بر خوردار بوده و نسبت به عملی شدن تعهدات مردان یخی، امیدواری اندکی وجود دارد. همچنین شرکت های نفتی روسیه معتقدند اقدامات اوپک مانعی در اجرای طرح های توسعه آنها است. این بار نیز بیشترین میزان کاهش تولید اعضای اوپک به عربستان تعلق دارد و فعالان بازار اقدامات این کشور را به دلیل تاثیر گذاری گسترده در بازار به دقت زیر نظر دارند. رهبران ریاض هم اکنون روزانه ۱۰.۷ میلیون بشکه نفت تولید می کنند. در ماه نوامبر، تولید روزانه نفت عربستان با دستیابی به رکوردی جدید به ۱۱.۱ میلیون بشکه رسیده بود. اما از ابتدای ژانویه تولید این کشور به ۱۰.۱ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت تا تعهدات ریاض در چارچوب طرح جدید کاهش تولید محقق شود.

مدت ها ادامه خواهد یافت. تصمیم اوپک برای کاهش تولید را باید کادوی کریسمس به تولید کنندگان نفت شیل دانست. آنها با بودجه ای تهاجمی برای سال ۲۰۱۹ میلادی به دنبال افزایش تولید از سازندهای آمریکای شمالی هستند. تحلیلگران انتظار دارند سال آینده شاهد افزایش اکتشاف و تولید از سازندهای شیل باشند. پیش بینی ها نشان می دهد در دهه ۲۰۲۰ میلادی نیز شاهد تداوم رشد تولید نفت شیل خواهیم بود. گفته می شود در تابستان سال آینده تولید نفت ایالات متحده از ۱۲ میلیون بشکه در روز فراتر خواهد رفت. صنعت نفت ایالات متحده با وجود بهبود چشمگیر فناوری پس از آغاز جنگ قیمت ها با اوپک همچنان در برابر سقوط قیمت ها آسیب پذیر است. فعالان آمریکایی بازار نفت معتقدند قیمت هادر سال آینده روندی کاهشی خواهد داشت.

شرکت های نفتی ایالات متحده بودجه سال ۲۰۱۹ میلادی خود را بر اساس قیمت ۵۰ تا ۶۰ دلار برای هر بشکه نفت تگراس تنظیم کرده اند. با بر طرف شدن موانع زیر ساختی و خط لوله های صادراتی در سال آینده، شاهد بهبود شاخص های عملیاتی این شرکت ها خواهیم بود. تولید کنندگان شیل به دقت در حال رصد بازار و کاهش تولید اوپک برای افزایش عرضه خود هستند. گروهی از کارشناسان معتقدند اوپک برای ایجاد توازن در عرضه و تقاضای بازار باید در سال ۲۰۱۹ میلادی ۲ میلیون بشکه در روز از تولید خود بکاهد. با تحقق ۱۰۰ درصدی کاهش تولید اوپک پلاس همچنان شاهد مازاد ۷۰۰ هزار بشکهای عرضه خواهیم بود. آژانس بین المللی انرژی در روز جمعه پیش بینی قبلی خود در مورد تولید غیر اوپک در سال ۲۰۱۹ میلادی (به ویژه در میادین دریای شمال، کانادا و لیبی) را ۶۰۰ هزار بشکه کاهش داده و گزارش جدیدی منتشر کرده است. این شرایط می تواند اوپک را در ایجاد تعادل در بازار یاری دهد. با وجود فرارسیدن ماه های سرد سال بازار نفت همچنان با رکود روبرو است و توافق اوپک از نگاه فعالان بازار انتخاب بهترین راهکار در میان سناریوهای بدترین شرایط بوده است. در ماه آوریل این کارتل و در آستانه بازگری در توافق اخیر با شرایط دشواری روبرو خواهد شد. پرسش کلیدی این است که آیا قیمت ها تا آن زمان باز هم کاهش خواهد یافت و یا خیر. و آیا اعضای اوپک می توانند برای کاهش بیشتر تولید به توافق برسند؟

تاثیر کاهش قیمت نفت بر اقتصاد

بازارهای جهانی نفت مادر حالی در خود را برای تغییر پارادایم به عصر فراوانی عرضه آماده می کنند که اقتصاد ایران به عنوان یکی از مهم ترین تولید کنندگان نفت در دهه های اخیر هنوز خود را با شرایط جدید وفق نداده است. در همین حال تحریم های نفتی ایالات متحده

ایران، به عنوان کشوری نفت خیز در زمان کنونی با چهار چالش اساسی مواجه است: تحریم صنعت نفت ایران از سوی امریکا، کاهش بهای نفت، از دست دادن بخشی از بازار فروش، احتمال عدم تحقق فروش نفت بر مبنای قیمت لایحه بودجه

از یک سو و وابستگی نزدیک به پنجاه درصدی اقتصاد به درآمد های نفتی شرایط بودجه سال ۱۳۹۸ را هاله ای از ابهام فرو برده است. از یک سو بسیاری از کارشناسان اقتصادی خواهان واقعی دیدن درآمدهای دولت در سال ۹۸ و کاهش هزینه ها هستند و از سوی دیگر از هم اکنون شاهد افزایش و وعیدهای مسئولین مبنی بر افزایش حقوق و یا ثابت ماندن نرخ حامل های انرژی در سال ۹۸ هستیم. این همه اما در حالی است که بر اساس شواهد موجود بر اساس برآوردهای کارشناسانی میزان صادرات نفت ایران از بهار سال آینده در خوش بینانه ترین حالت از یک میلیون بشکه فراتر نخواهد رفت. ایران، به عنوان کشوری نفت خیز در زمان کنونی با چهار چالش اساسی مواجه است: تحریم صنعت نفت ایران از سوی امریکا، کاهش بهای نفت از دست دادن بخشی از بازار فروش، احتمال عدم تحقق فروش نفت بر مبنای قیمت لایحه بودجه. با توجه به اعطای معافیت به کشور برای خرید نفت از ایران (تابهار آینده) این تحریم در کوتاه مدت نمی تواند اثر نامطلوبی برای ایران داشته باشد. از سوی دیگر کاهش بهای نفت از یک برای میان مدت و بلندمدت ادامه داشته باشد، قطعاً هم ایران و هم دیگر کشورهای صادر کننده نفت را دچار بحران به دلیل کاهش میزان درآمداز محل فروش نفت خواهد کرد. در همین حال قطعاً ایران بخشی از بازار فروش نفت را با توجه به سیستم تحریم ها در میان مدت از دست خواهد داد و در بهترین حالت ممکن پس از رفع احتمالی تحریم ها، حداقل ۱۸ تا ۲۴ ماه زمان لازم است تا بتواند با مشتریان از دست رفته مجدداً مذاکره و قرارداد منعقد کند. در مورد تأمین منابع مالی کشور و محاسبه تخمینی آن در بودجه سال آینده کل کشور (هر بشکه ۵۵ دلار) هر گونه محاسبه با پیش فرض قیمت که در بودجه توسط دولت در نظر گرفته شده باشد با توجه به موارد فوق می تواند دستخوش تغییرات و نوسانات بسیار زیادی شود. چرا که پس از بهار مشخص نخواهد بود به چه میزان ایران بتواند صادرات بدون عامل تحریم داشته باشد، علاوه بر اینکه تا آن زمان قیمت جهانی نفت می تواند مجدداً دچار نوسان شود.



کند، پاکستان نیز چاره ای جز دفاع از خود نخواهد داشت. پاکستان به تعهد خود برای ایجاد ۷۸۱ کیلومتر خط لوله انتقال گاز در خاک خود عمل نکرده است اما با توجه به تحریم های پیشین امریکا هیچ کشور یا آژانسی نمی تواند هزینه اجرای این پروژه را تأمین کند.

راهی برای اجرای این پروژه پیدا کنند. آمریکا از توافق هسته ای با ایران خارج شده و احتمالاً نمایندگان ایران و پاکستان جدول زمان بندی جدیدی برای اجرای این پروژه تعیین خواهند کرد. اگر دو طرف به توافق نرسند و ایران تصمیم بگیرد این موضوع را در دادگاه بین المللی مطرح

بدعهدی ۲۳ ساله همسایه شرقی ایران در یک تعهد مشترک

پاکستانی ها از ابتدا بدعهدی کردند

عملیات اجرایی خط لوله از سوی پاکستانی ها مدام متوقف می شد و از سوی مسئولان این کار در پاکستان، اطلاعات ضدونقیضی درباره میزان پیشرفت پروژه ارائه می شد. کارشکنی ها و عدم آغاز عملیات اجرایی خط لوله از سوی پاکستان، در حالی اتفاق می افتاد که ایران از سال ۲۰۱۱ کار خط لوله خود را به اتمام رسانده بود و به اسلام آباد فرصت داده بود تا پایان ۲۰۱۴ عملیات خط لوله را تکمیل کند.

بهبانه پاکستان برای بدعهدی

به گفته این مقام مسوول پاکستانی، در ماه ژوئن سال ۲۰۱۶، دولت وقت پاکستان، انجام مذاکرات را به دلیل فشارها از سوی عربستان

این مقام نفتی دولتی پاکستان، این راهم

گفته که احتمالاً دو کشور افکار خود را در این زمینه، بروی هم گذاشته تا بتوانند در سایه تحریم های امریکا و رفتار خصمانه دولت ترامپ،